دکتر مصدق‏ قهرمان ملی

ادیب برومند

درباره‏ی شخصیت سیاسی دکتر محمد مصدق،کتاب‏های‏ بسیار نوشته شده و هر سال بر شماره‏ی این کتاب‏ها افزوده می‏شود. هشتاد درصد این نوشته‏ها در گرامیداشت او و خدمات وی در طی‏ دوره‏ی زمامداری‏اش و پیش از آن است و 20 درصد از خرده‏گیری‏های نسبت به وی حکایت دارد.

بر همگان آشکار است که انسان همواره بر لب پرتگاه فراموشی و خبط و اشتباه ایستاده است و هیچ کس مصون از لغزیدن در این پرتگاه‏ نیست.

سیاستمدار هم انسانی‏ست که هر قدرت مدیر و مدبر باشد،از خطا و اشتباه برکنار نمی‏باشد و در شرح احوال بزرگان سیاست این موارد ملاحظه شده است.مصدق نیز از شمار سیاسیت مردانی بود که از این‏ حیث مصونیت نداشته و ادعای معصومیت درباره‏ی او سخنی‏ نسنجیده است.اما آن‏چه مسلّم است خبط و خطاهایی که به او نسبت‏ می‏دهند در برابر خدمات گران‏بها و شخصیت استثنایی وی در محوطه‏ی سیاسی ایران چندان در خور توجه نیست.

دکتر مصدق در طول دوران ورودش در سیاست سعی کرده است‏ که از هر ترک اولایی حذر کند،تا حد ممکن مرتکب قصور و تقصیر نگردد.از این رو کارنامه‏ی خدمات سیاسی و اداری وی درخشان است‏ و با خوش‏نامی،محبوبیت و شرافت توام است.

باید دانست که آن‏چه مصدق را بیش‏تر محبوب ساخته،جنبه‏ی‏ قهرمانی او در ستیز و آویز با سیاست استعماری انگلستان است.

تاریخ قرن بیستم و آگاهی‏های عمومی گواه است که سلطه‏ی‏ سیاست بریتانیا بویژه پس از جنگ جهانی دوم در ایران به گونه‏یی‏ استوار و پابرجا بود که در آویختن با آن،تا این حد که به کوتاه کردن‏ دست وی از منابع حیاتی نفت جنوب انجامید،به خاطر هیچ کس خطور نمی‏کرد.

در جایی که با اشاره‏ی شرکت نفت ایران وانگلیس(یعنی پایگاه‏ استعماری بریتانیا)تصمیمات مهم دولتی اخذ یا فسخ می‏گردید و هر کارمند دولتی با داشتن پارتی در آن پایگاه به مقامات بالا دست‏ می‏یافت و هر تحصیل کرده‏یی می‏کوشید که در محفلی منتسب به‏ انگلیس‏ها خود را وارد کند و با مارک«آنگلوفیلی»مراحل ترقی را بپیماید،چنان‏که حجم این نفوذ به قدری بود که هیچ‏کس جرات‏ نمی‏کرد به دربان سفارت‏خانه‏ی آن کم‏ترین جسارتی بنماید.با این‏ حال مصدق با شجاعت و حمیت فوق‏العاده‏یی برای زنده کردن منافع‏ ملی ایران با این سیاست گلاویز گردید و بر آن شد که دست انگلیس‏ها را از پس‏افکنده‏های زیرزمینی ایران کوتاه کند. این درآویختن،قدرت روحی ویژه‏یی را می‏طلبید که در یک روح قهرمانی تجلی‏ می‏کند و چون در مصدق وجود داشت او را به این اقدام بسیار مهم برانگیخت و تا آن جا پیش رفت که آنان را محترمانه از کشور بیرون کرد.

قطع‏نظر از هر چیز،نفس این رویداد خطرخیز،به مصدق چهره‏ی یک قهرمان‏ ملی داد؛زیرا هرگونه خطری در این‏ کشمکش برای شخص مصدق،دولت و کشورش از ترور و لشکرکشی و تحریم‏ شدید اقتصادی و صدها گونه کارشکنی‏ محتمل بود،ولی او با عزمی محکم و اراده‏یی سستی‏ناپذیر در تصمیم خود پافشاری نمود.

این خیزش قهرمانانه،عقده‏ی یکصد و پنجاه ساله‏یی را که در دل‏ ایرانیان و لابه‏لای تاریخ‏شان از لطمه‏های این سیاست به وجود آمده بود،گشود و هم‏میهنان خود را به اوج سربلندی و غرور ملی‏ رسانیده،از احساس خود کم بینی رهایی داد.نفرت عمومی از سیاست‏ استکباری بیگانگان،به حدی بود که در جنگ جهانی دوم مردم ایران‏ به«هیتلر»جنایتکار که با متفقین می‏جنگید،ناشناخته دل بسته بودند و او را به چشم نجات‏بخش می‏نگریستند،حالا انصاف دهید که این‏ قهرمان‏منشی مصدق که الهام‏بخش قهرمانان در دیگر کشورها نیز گردید،چه اندازه در خور ستایش است و خرده‏گیری ناقدان او تا چه حد با انصاف فاصله دارد.

معمولا در همه جا قهرمان محبوب و مورد ستایش است،هرچند عملکرد قهرمانی او نتایج در خور توجهی با بار نیاورده باشد.«ناپلئون‏ بناپارت»با آن همه لشکرکشی‏هایش که او را به عنوان قهرمان جنگی‏ و نظامی ساخت،محبوب ملت فرانسه است،در حالی که در برابر تلفات بی‏شمار و هزینه‏های کلان چندان چیز مهمی برای‏ فرانسه ارزانی نداشته است.

و اما مصدق در مقام نخست‏وزیری افزون بر چهره‏ی‏ قهرمانی‏اش با تشکیل جبهه‏ی ملی ایران،فصل تازه‏یی در تاریخ‏ سیاسی این کشور باز کرد.چنان که علاوه بر بزرگ‏ترین خدمت‏ اقتصادی به وسیله‏ی قطع ید بیگانگان از منابع ثروت ملی،مکتب‏ ایران‏دوستی و ملت‏گرایی را به جای بیگانه پناهی و کم‏تفاوتی درباره‏ی‏ مصالح آب و خاک،و مردم کشور را در مسیر کسب این افتخار رهنمایی نمود.

اهمیت ملی کردن صنعت نفت که در شورای مرکزی جبهه‏ی ملی‏ به دکتر مصدق القا شد و با کوشش و همت او و اعضای فراکسیون‏ نهضت ملی تحقق یافت.کاری کارستان بود.نسلی که دوران پیش از این نهضت را ندیده‏اند،نمی‏دانند که کشور و ملت ما در چه تنگناهایی‏ از فقر و تهیدستی به سر می‏برند و در حالی که روی گنجینه‏های‏ سرشاری از طلای سیاه حرکت می‏کردند،توان مالی نداشتند.

ثروت سرشاری که پس از ملی شدن صنعت نفت به این کشور سرازیر گشت و میلیاردها دلاز از آن به هزینه‏های با مورد و بی‏مورد تخصیص داده شد و از آن جمله مخارج غیرقابل احتساب را در جنگ‏ هشت ساله با عراق تامین نمود،به خاطر هیچ‏کس نمی‏گنجید و این‏ همه اساسا در نتیجه‏ی مساعی و تلاش‏های دکتر مصدق و جبهه‏ی‏ ملی ایران بود و گرنه دولت برای ساخنت درمانگاهی در یک روستا، اظهار ناتوانی می‏کرد.

ردّ لایحه‏ی(گس-گلشائیان)که به موجب آن پس از مدتی‏ چک و چانه زدن،18 درصد از عواید نفت شرکت جنوب را عاید ایرانی‏ می‏کرد،مرهون کوشش‏های دکتر مصدق و یارانش بود،و گرنه برای‏ تصویب آن در مجلس دروه‏ی شانزدهم از طرف انگلیس‏ها،عوامل‏ استعمار،شاه و درباریان بیش از حد کوشیده و گریبان چاک زده شد و اگر این لایحه در کمیسیون نفت به ریاست مصدق ردنشده بود و بعد از آن ملی شدن صنعت نفت تحقق نمی‏یافت،بی‏شک تا سال 1377، سهم ما تنها 18 درصد از منافع شرکت سابق بود و فقر دولت و ملت تا این زمان به حال خود باقی می‏ماند؛با این ترتیب همه‏ی این اقدامات‏ مهم را لوایح اصلاحی مصدق به موجب لایحه‏ی اختیارات و سوابق‏ درخشان او در نمایندگی دروه‏ی چهاردهم و غیره باید در نظر گرفت و داوری منصفانه کرد.

برای اطلاع وزیر محترم ارتبطات و فناوری اطلاعات‏ و مسوولان شرکت پست تهران

بیش از یک سوم مشترکان مجله از نرسیدن یا دیر رسیدن ماهنامه شکایت‏ دارند!نمونه‏ی آن شکوائیه‏ی زیر به قلم یکی از مشترکان قدیم مجله است‏ که ما مرتب از طریق پست،مجله برای ایشان فرستاده‏ایم و هیچ کدام به‏ ایشان نرسیده است: